



نگاه مدیا

زمینه ها و ضرورت های تشکیل جهاد سازندگی در گفت و گو با عبد الله فاتحی، از جهادگران نسل اول

جهاد سازندگی، نیروی چهارم دفاع مقدس

مرجان قندی

خبرنگار

واژه «جهاد» بعد از انقلاب با کلمه «سازندگی» نیز قرین و هم‌راه شد تا یکی از اهداف انقلاب اسلامی پس از پیروزی با جدیتی جهادی و صداقتی مؤمنانه دنبال و از این پس بعد تازه‌ای باید که مترادف با آبادانی و محرومیت زدایی است. از این روش‌شاید بتوان ایده تأسیس «جهاد سازندگی» را به فرد خاصی نسبت داد. چرا که از همان صبح پیروزی انقلاب، اعزام به مناطق محروم به منظور همسان سازی استانداردهای زندگی در سراسر کشور به نحوی خودجوش و فراگیر آغاز شد و فرمان امام خمینی (ره) در ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ مبنی بر تشکیل «جهاد سازندگی» اقدامی مؤثر در جهت سامان یابی این حرکت خودجوش در چارچوب نهادهای مردمی و پویا بود که خیزش سازندگی را تبدیل به جریانی مستمر، قانونی و پایدار کرد تا تاوجه به اولویت‌ها، اقدامات وسیع و سریع در راستای محرومیت‌زدایی با فراهم آمدن نهضتی همه‌جانبه برای مبارزه با فقر و محرومیت به جامانده از رژیم گذشته به وجود آید. اقدامی که از ابتدا با خلوص نیت و بلند طبعی همراه بود. با آغاز جنگ تحمیلی مدیران جهاد سازندگی با این تحلیل که توسعه و آبادانی بدون برقراری آرامش و امنیت یکپارچه کشور امکان نداشته و لازمه هر کار عمرانی ابتدا رفع اشغال و پایان دادن به آتش جنگ است، اولویت خود را دفاع از مرزهای ملی و دفع شردشمن اعلام و به موازات سایر ارگان‌های درگیر در جنگ به خلق حماسه‌های جاودیدناثل آمدند. تا آنجا که با ایجاد هزاران کیلومتر خاکریز زیر آتش دشمن، احداث ده‌ها پل ارتباطی در مناطق حساس و اختراع و ابداع ده‌ها وسیله مؤثر و کار ساز دیگر در کنار ارتش، سپاه و بسیج، ضلع چهارم دفاع مقدس را شکل داده و از سوی امام خمینی (ره) به سنگرز سازان بی‌سنگر ملقب شد. در سالروز تأسیس جهاد سازندگی به سراغ یکی از پیشکسوتان این نهاد مردمی رفیق‌ت‌ما بر ایمان از نحوه تأسیس و عملکرد جهاد در سال‌های اولیه دفاع مقدس روایت کند. مهندس عبد الله فاتحی از اولین‌های جهاد است که موفق به تألیف مجموعه پنج جلدی «جهاد سازندگی» شامل عملکرد و فعالیت‌های جهاد در دوران دفاع مقدس است.

■ حرکت جهاد سازندگی با چه رویکردی آغاز شد؟
انقلاب که پیروز شد اولین چیزی که ذهن همراهان انقلاب را به خود مشغول

شناسایی منطقه‌ای در نزدیکی بندر دلم و گناوه به آنجا رفتیم و شروع به اقدامات عمرانی کردیم. شب‌ها در مسجد روستا می‌خوابیدیم و روز برای مردم آنجا کار می‌کردیم. البته با دشمنی گروه‌های خلقی هم روبه‌رو بودیم. حتی یکی از بچه‌ها که کارهای برق‌رسانی را انجام می‌داد، همانجا شهید شد. آن موقع محرومیت خیلی زیاد بود اما امروز همان روستا به یک شهر تبدیل شده است.

■ جهاد با چه تحلیلی کنار نیروهای نظامی در مناطق آشوب زده حاضر می‌شد؟

در جریان ناآرامی‌های مناطق کردنشین و ترکمن صصرا، نیروهای جهاد با حضوری پرتوان و بانگیزه به‌رغم مخاطرات و محدودیت‌های بسیار به کارهای عمرانی مشغول بودند. دلیل آن هم در وهله اول رسالتی بود که در قبال مناطق محروم بردوش داشتند. از سوی دیگر فقر عاملی برای پنهان شدن گروهک‌ها در میان مردم و گسترش دامنه ناآرامی‌ها بود. براین اساس جهادگران با قبول خطر به یاری مردم و پاسداران امنیت شتافته و با تقدیم شهدا

کرده بود جبران عقب ماندگی‌های مناطق محروم بود. بر این اساس من نیز درهرماه با موج ایجاد شده و به‌همراه بچه‌های مسجد محل، بعد از

صحنه‌های بدیعی از ایثار و مردم دوستی جهادگران به وجود آمد که جا دارد با جزئیات برای آیندگان روایت شود. در مأموریتی به سقز یادم می‌آید شهر خیلی کوچک بود و یک خیابان بیشتر نداشت. شب‌ها ناخن بود و نیروهای ضد انقلاب از دو طرف ما را می‌زدند. با وجود این بچه‌های جهاد درخواست‌شان این بود که در منطقه بمانند و کارهای عمرانی را به سرانجام برسانند.

■ آیا خود جهاد اقدام به جمع‌آوری این روایت‌ها کرده است؟

چرا! در گزارش‌هایی که از منطقه می‌گرفتیم این وقایع منعکس است و در واحد ثبت وقایع جنگ موجود است. **■ این واحد از چه مقطعی فعال شده است؟**

قبل از عملیات کربلای ۵ ما به این فکر افتادیم که واحد سمعی بصری داشته باشیم. قبل از آن از کارهای سازندگی فیلمبرداری می‌کردیم و چندین گروه بودند که به مناطق اعزام می‌شدند. در این مقطع به این نتیجه رسیدیم که یک کار حرفه‌ای و تخصصی هم در حوزه ثبت وقایع جنگ انجام دهیم. پیشنهادش را به فرماندهان جنگ دادیم، آنها هم پذیرفتند و خودمان واحد ثبت وقایع جنگ را راه‌اندازی کردیم.

مستند به اسناد تاکنون منتشرشده است، اما نسل بعد از جنگ را مجاب نکرده و آنان می‌پرسند: آیا ادامه جنگ پس از آزادی خرمشهر براسستی امری تلاش‌ناپذیر بوده و راه‌حلی که بتوان با انتخاب آن از ادامه جنگ پرهیز نمود و در عین حال، مسیرهای احتمالی وقوع دوباره آن را مسدود و شرایط لازم برای خاتمه دادن به رویارویی نظامی را فراهم آورد، وجود نداشت؟

برای یافتن پاسخ این سوالات و دستیابی به تحلیلی منطقی با واقعیات میدانی، بایستی به اسناد بیشتری از آن دوران دسترسی داشت و با مرور آنها به حقیقت ماجرا پی‌برد. امری که با گذشت ۳۸ سال فاصله گرفتن از این رویداد تاریخی بیش از پیش لازم و ضروری می‌نماید. مرکز اسناد و انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اخیراً با انتشار روزشمار آزادی خرمشهر تا حد قابل توجهی به این نیاز پاسخ داده و به نقل از سه منبع؛ نشریات (اغلب روزنامه‌های کثیرالانتشار داخلی و خارجی)، بولتن‌های محرمانه خبرگزاری پارس (ایران) و گزارش راولیان از جلسات سری فرماندهان عالی‌رتبه نظامی، اقدام به انتشار اسناد عملیات بیت‌المقدس، بازتاب‌ها و پیامدهای داخلی و خارجی آن نموده است. اقدامی که لازم است با انتشار اسناد سایر دستگاه‌ها بویژه وزارت

امام خمینی (ره) به کشور تا زمانی که فعالیت‌های جهادی در نخست‌وزیری در دوران دولت موقت شکل می‌گیرد و پس از آن است.

■ آیا آن زمان اختلافی میان نیروهای جهاد و دولت موقت نبود؟

چرا! یعنی همان زمان که آقای بنی اسدی از طرف دولت موقت در دفتر نخست‌وزیری جهاد سازندگی راه انداخته بود، یک جهادسازندگی هم بچه‌های جهاد در ساختمان میدان انقلاب راه‌اندازی کرده بودند که سردار افشار و آقای آخوندی و... آنجا بودند. تا اینکه این گزارش‌ها به امام می‌رسد و ایشان یک روز قبل از اینکه جهاد سازندگی رسماً اعلام شود، در دیداری که افشار و صنوف مختلف با ایشان داشتند اعلام می‌کنند: در ارتباط با رفع محرومیت و مشکلات مردم در اقصی نقاط کشور فردا یک خبر مهمی منتشر خواهد شد که آن خبر تشکیل تأسیس جهاد سازندگی بود و روز ۲۷ خرداد امام رسماً فرمان تأسیس جهاد سازندگی را صادر کردند.

■ ایده اولیه جهاد چگونه شکل گرفت؟
البته اینکه ایده جهاد از کجا شروع شد روایت‌ها مختلف است. دولت موقتی‌ها می‌گفتند که این ایده مال آقای بازرگان است، چون به آقای بنی اسدی مأموریت داد تا دفتری با عنوان جهاد سازندگی در نخست‌وزیری ایجاد کند. روایت دیگری از قول شهید بهشتی مطرح است که ایشان گفته است: «ما جهادسازندگی را در حزب جمهوری اسلامی تشکیل داده بودیم و نخستین بار ایده‌اش آنجا مطرح شد» مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم در نشست فرماندهان جهاد در سال ۹۶ در سالن اجلاس براین روایت تأکید کرد و گفت: «ایده تشکیل جهاد سازندگی اولین بار در حزب جمهوری اسلامی مطرح شد.» از طرف دیگر بچه‌های انجمن اسلامی دانش‌جویان هم که در ساختمان شهید رضوی میدان انقلاب مستقر بودند مدعی ایده اولیه و نیروهای ضد انقلاب هم است. این اسناد هم تصویری و هم صوتی است. چند نفر از نیروهای ثبت وقایع هم شهید شدند. مثل شهید حسن همتی، بعد از آن اولین مرکز اسناد مهندسی جنگ را در سال ۶۸-۶۷ راه‌اندازی کردیم. یک مرکز غنی از اسناد و مدارک که از کل قرارگاه‌ها، گردان‌ها و مناطق جنگی که از میان آنها تاکنون کتاب‌های متعددی تألیف و منتشر شده است. در سال ۶۸ اولین مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس را جهاد راه‌اندازی کرد. دو کار اساسی هم تاکنون انجام شده است که یکی از آن دو «نقش عملکرد جهاد سازندگی در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس» است که در ۷ جلد آماده انتشار است.

■ این مجموعه هنوز منتشر نشده؟
نه! اما خلاصه شده آن در ۵ جلد انتشار یافته و بیش از ۲۳ جلد کتاب اسناد به‌صورت فایل دیجیتالی آرشیوی غنی شامل؛ اسناد و مکاتبات که در ارتباط با نقش و عملکرد جهاد در مقاطع مختلف از ۱۲ بهمن روز ورود اولین گروه‌های فرهنگی جهاد بودند. بیشتر بچه‌های فرهنگی جهاد بودند. افرادی مثل آقایان حمید داعی، تکلو، نواب، اصغری، منوچهر قاری، محمد حسینی و... آقای آوینی. از آن موقع اطلاعات بسیار ارزشمندی باقی مانده است. این اسناد هم تصویری و هم صوتی است. چند نفر از نیروهای ثبت وقایع هم شهید شدند. مثل شهید حسن همتی، بعد از آن اولین مرکز اسناد مهندسی جنگ را در سال ۶۸-۶۷ راه‌اندازی کردیم. یک مرکز غنی از اسناد و مدارک که از کل قرارگاه‌ها، گردان‌ها و مناطق جنگی که از میان آنها تاکنون کتاب‌های متعددی تألیف و منتشر شده است. در سال ۶۸ اولین مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس را جهاد راه‌اندازی کرد. دو کار اساسی هم تاکنون انجام شده است که یکی از آن دو «نقش عملکرد جهاد سازندگی در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس» است که در ۷ جلد آماده انتشار است.

■ به غیر از رقابت‌های درونی جهاد با دشمنی‌هایی هم رویه رو بود این دشمنان شامل چه افراد و جریان‌هایی بودند؟
ما چند گروه مخالف و دشمن داشتیم، اولین گروه، خوانین و بازماندگان خوانین

بودند که دوست نداشتند محرومیت‌زدایی شود. به علاوه بخشی از کارهای جهاد، کارهای فرهنگی، ترویجی و آموزشی بود که منجر به آگاه‌سازی مردم روستاها می‌شد. به‌عنوان مثال وقتی جهاد نهضت سوادآموزی را در روستاها شروع کرد، خوانین به مخالفت برخاستند. تا آنجا که تعدادی از جهادگران در همین ارتباط شهید و زخمی شدند. طیف دیگری که مخالف فعالیت جهاد سازندگی بود، افراد گروه‌های سیاسی بودند. گروه‌ها در روزهای اول فعالیت جهاد سازندگی آمدند، گفتند: ما هم هستیم و شروع به سهم خواهی کردند. ما به آنان گفتیم؛ اگر هستید بیایید در روستاها و مناطق محروم خودتان را نشان دهید. ولی نیامدند. چون هدف‌شان این بود که کار سیاسی کنند، بنابراین آنها هم شدند مخالف بچه‌های جهاد و خیلی از بچه‌های جهاد را در همان روزهای اول در کردستان و سیستان بلوچستان شهید کردند. یک گروه هم خود دولتی‌ها بودند که به ما امکانات نمی‌دادند. مخالف که می‌گویم به این معنی که همکاری نمی‌کردند. ما با وجود این موانع توانستیم ۱۵ ماه و چند روز از ۲۷ خرداد ۱۳۵۸ تا سی و یکم شهریور ۱۳۵۹ کار جهاد سازندگی را در مناطق محروم، در همه حوزه‌ها پیش ببریم و نتایج خیلی خوبی هم به دست آوریم. تا اینکه جنگ شروع شد.

■ در ابتدا ورود جهاد به جنگ به چه نحو بود؟
ورود بچه‌ها به جنگ به چند روش انجام پذیرفت. در روزهای اول جنگ تعدادی از بچه‌ها که در منطقه مشغول جهاد سازندگی بودند همانند افراد سپاه، کمیته و نیروهای مسلح اسلحه دست گرفتند؛ گردان‌های رزمی تشکیل داده و با اسلحه به مصاف دشمن رفتند. پس از آن نیروهای جهاد ظرف دو سه روز با ماشین‌آلات و تجهیزات، خود را به جبهه‌ها رساندند و آنجا تشکیلات جنگ جهاد را راه‌اندازی کردند و کارهای بسیار ارزشمندی بویژه در روزهای اول جنگ انجام دادند که به‌عنوان نمونه می‌توانم به خندق دور شهر اهواز اشاره کنم. روزهای اول جنگ رعب و وحشت عجیبی میان مردم به‌وجود آمده بود که از نظر روانی آثار مخربی داشت. آنجا بچه‌های جهاد تصمیم می‌گیرند خندنی دور شهر اهواز برزند که این خندق روحیه مردم اهواز توان مقاومت آنان نیز ارتقا می‌یابد. پس از آن جهاد در طول هشت سال دفاع مقدس با ایجاد چندین قرارگاه در ردیف سایر ارگان‌های نظامی خوش درخشید و طراحی و اجرای پل‌های متعددی از جمله پل خیبر و بعثت که جزو ابر پروژه‌های جنگ بودند را آغاز کرد. همچنین توانست با ایجاد جاده و تأمین ماشین‌آلات و خاکریزهای طولانی برتری نیروهای خودی را به دشمن تحمیل نماید. جهاد سازندگی در طول جنگ ۵۴۰۰ هزار نیرو به جبهه اعزام کرد که از آن میان بیش از ۲۵۰ هزار نفر جانباز ۳ هزار و ۴۰۰ نفر شهید و بیش از یک هزار نفر آزاده تقدیم کشور و انقلاب کرد.



■ در ابتدا ورود جهاد به جنگ به چه نحو بود؟
ورود بچه‌ها به جنگ به چند روش انجام پذیرفت. در روزهای اول جنگ تعدادی از بچه‌ها که در منطقه مشغول جهاد سازندگی بودند همانند افراد سپاه، کمیته و نیروهای مسلح اسلحه دست گرفتند؛ گردان‌های رزمی تشکیل داده و با اسلحه به مصاف دشمن رفتند. پس از آن نیروهای جهاد ظرف دو سه روز با ماشین‌آلات و تجهیزات، خود را به جبهه‌ها رساندند و آنجا تشکیلات جنگ جهاد را راه‌اندازی کردند و کارهای بسیار ارزشمندی انجام دادند تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ که رسماً جنگ آغاز شد. در این مقطع جهاد به دو بخش تقسیم شد: بخشی به کار سازندگی در مناطق محروم ادامه داد. بخشی هم پشتیبانی - مهندسی جنگ را راه‌اندازی کردند

نقش آفرینی آنان در چنین شرایط حساسی چندان خبری نیست. حال آنکه بعد از پیروزی بزرگ فتح خرمشهر میدان وسیعی برای بازیگران سیاسی به‌وجود آمده بود. اهداف تاکتیکی عملیات شامل؛ انهدام نیروهای متجاوز، رسیدن به خط مرزی، آزادسازی خرمشهر، دورکردن شهرها و نقاط مسکونی از برد توپخانه دشمن، تاحد زیادی تأمین شده و ۵۴۰۰ کیلومترمربع از مناطق اشغالی آزاد، همچنین دو لشکر ارتش عراق به‌طور کامل منهدم و به ۶ لشکر دیگر نیز بین ۲۰ تا ۶۰ درصد آسیب وارد شده بود. نیروهای دشمن بیش از ۱۶۰۰۰ نفر کشته و زخمی داده و ۱۷۹۴۹ نفر نیز به اسارت ر آمده بودند. این همه کافی بود تا دشمن سرسختی همچون صدام در اولین عکس‌العمل خود نرمش نشان داده و از خرمشهر با نام اصلی آن یاد کند. با اجرای عملیات آزادی خرمشهر قدرت انقلاب نمایان گردید و احتمال اینکه با این پشتوانه و با مهارت سیاسی بتوان حاقق بخشی از خواسته‌های کشورمان را به کرسی نشاند و به جنگ پایان داد، دوار انتظار نبود. این نکته یا سایر نکات اینجیننی با مطالعه اسناد منتشره از سوی انتشارات سپاه پاسداران در مجموعه روزشمار آزادی خرمشهر به ذهن متبادر می‌شوند و بار دیگر این سؤال که آیا امکان پایان یافتن جنگ پس از بازپس‌گیری خرمشهر وجود داشت یا نه؟ در ذهن‌ها جان می‌گیرد.



■ در باب امکان برقراری صلح خرمشهر و پایان جنگ، سؤال مهم این است که دیپلماسی کشور تا چه حد در روند شکل‌گیری این امکان مؤثر بوده و کجاها غایب صحنه است

آیا پس از فتح خرمشهر، صلح امکان‌پذیر بود؟

اسماعیل علوی

دبیر گروه یادگیری

آزادی خرمشهر پس از ۱۹ ماه اشغال توسط ارتش بعث عراق، به‌همراه رهایی مناطق وسیعی از سرزمین‌های تحت تصرف دشمن، فصلی جدید و سرنوشت ساز در روند جنگ تحمیلی بشمار می‌رود؛ چراکه در پی کسب این پیروزی بزرگ، کشور در آستانه انتخابی مهم و راهبردی در ارتباط با ادامه جنگ تا تعیین و تنبیه متجاوز و دریافت غرامت یا اعلام ختم جنگ و پذیرفتن ریسک حوادث بعد از آن قرار گرفت. موضوع حساسی که مدیریت کلان کشور را بر سر یک دو راهی تاریخی قرارداد تا پس از تصمیمی سخت یکی از آن دو گزینه را برگزیند. در این مقطع دشمن در تجزیه کشور تا کام و با آزادی خرمشهر جراحی که بر اثر اشغال آن بر روح و غرور ملت ایران وارد شده بود، التیام یافت و این شهر تبدیل به نماد اقتدار ملی و حقارت حکومت صدام گردید. همچنین این رویداد مهم برای ایران، ثبات سیاسی و تقویت موقعیت منطقه‌ای به ارمغان آورده و ضعف‌های رژیم بعث عراق در برابر امواج توفنده انقلاب اسلامی را نمایان ساخت. وضعیتی که موجب نگرانی دشمنان نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی بود، زیرا برخلاف تصور آنان



سایت مرکز تحقیقات دفاع مقدس

جنگ تحمیلی نه تنها به تضعیف و فروپاشی نظام برآمده از انقلاب مردم ایران نینجامید، بلکه بالعکس موقعیت رژیم بعث عراق به‌عنوان سدی در برابر گسترش نفوذ انقلاب اسلامی در منطقه را نیز متزلزل و دورنمایی از تبدیل ایران به قدرتی منطقه‌ای را ترسیم کرد. پارادایمی که نحوه پایان دادن به جنگ را فزاتر از مسائل و اختلافات مرزی دو کشور همسایه، از اهمیتی ویژه برخوردار می‌نمود. برپایه اسنادی که تاکنون در این زمینه منتشر شده، تلاش و اقدامات هم‌زمان عراق و حامیان‌ش برای مقابله با برتری ایران

در این مرحله، انتخاب گزینه بهتر برای مسئولان را دشوارتر می‌ساخت؛ زیرا آنان بدون پذیرفتن برتری ایران، برآتش بس و توقف فوری جنگ تأکید داشتند و به دنبال پایان دادن به اختلافات و مناقشات دو کشور به نحوی اصولی نبودند. در چنین شرایطی ایران با می‌بایست از موضع برتر، جنگ را حداقل تا مرحله برطرف کردن امکان تجاوز مجدد طرف عراقی، ادامه می‌داد یا از برتری خود در آن مقطع چشم پوشیده و راه حل آتش بس را می‌پذیرفت و سالیان متمادی در وضعیت نه جنگ، نه صلح قرار